خبر

دفتر جذب ایده و نوآوری شهری در گرگان فعال می شود

شهردار گرگان گفت: به‌زودی دفتر جذب ایده و نوآوری شهری در گرگان فعال خواهیم کرد که این کار می‌تواند در توسعه شهر و استان نقش مهمی داشته باشد. به گزارش مهر، عبدالرضا دادبود در مراسم نخستین استارتاپ ویکند گردشگری گرگان با محوریت هویت شهری اظهار کرد: در این دوره از شورای اسلامی شهر گرگان با موضوع گردشگری و محوریت آن حمایت‌های خوبی از مجموعه فعالیت‌های شهرداری داشته و خواهد داشت. وی افزود: فعالیت در حوزه شهر هوشمند و گردشگری یکی از اولویت‌های شهرداری گرگان در دوره جدید محسوب می‌شود که در این زمینه فعالیت‌های زیادی انجام‌شده است. شهردار گرگان گفت: برنامه‌های مختلفی برای سال ۹۷ پیش‌بینی شد که همه این‌ها به‌تدریج اجرا خواهد شد و شهرداری با تمام توان و ظرفیت با مشارکت بخش‌هایی که دارای تخصص هستند در این زمینه اقدام خواهد کرد. وی با اشاره به اقدام جدید شهرداری گرگان در حوزه شهر کارآفرین، تصریح کرد: برای انجام این کار تاکنون اتفاقات خوبی رقم خورده، مقدمات کار فراهم‌شده و تفاهم‌نامه با بخش‌های مختلف دستگاه‌ها انجام شد. دادبود با بیان اینکه صندوق‌های مرتبط از طرح شهرداری در حوزه کارآفرینی حمایت تسهیلاتی می‌کنند، اظهار کرد: با اجرای این طرح در شهر گرگان اشتغال توسعه خواهد یافت. وی تصریح کرد: موضوع کارآفرینی شهری به‌طورجدی می‌تواند پشتوانه‌ای برای چنین حرکاتی در مقاطع مختلف باشد.وی افزود: امید است با برگزاری این جلسه تمام توان و ظرفیت‌ها به کار گرفته شود و شاهد ایده‌ها و خروجی‌های خوبی در سطح شهر گرگان‌باشیم.

زنان گلستانی به دنبال سهم ۳۰ درصدی مدیریت هستند

مدیر کل دفتر بانوان و خانواده استانداری گلستان گفت: اجرای سهم سی درصدی زنان از مدیریت ها، خواسته اولویت دار زنان گلستانی است. به گزارش ایرنا، کلثوم غفاری با یادآوری بحث های مطرح شده در نشست مدیران کل امور بانوان و خانواده استانداری های کشور اظهار کرد: این موضوع به عنوان یکی از نیازهای جدی مدیریت گلستان در این نشست مطرح شد که امیدواریم به زودی شاهد تحقق آن باشیم. وی بیان کرد: پیگیری قانون منع خشونت علیه زنان و کودکان، تمهید راهکارهای قانونی حمایت از زنان بد سرپرست، بازنگری آیین نامه مغفول مانده ساماندهی کودکان کار و خیابانی، منع ازدواج کودکان، تخصیص اعتبار برای حمایت از زنان بهبود یافته در کمپ ها، چاره اندیشی پیشگیری از مرگ مادران باردار و گسترش مراکز غربالگری سلامت زنان، دیگر موضوعات مطرح شده از طرف زنان گلستانی در این نشست بود. غفاری بیان کرد: حمایت بیشتر از بیماران خاص، رسیدگی به وضعیت زنان و کودکان فاقد هویت، پیگیری بیمه زنان خانه‌دار، ضرورت رفع موانع بیمه قالیبافی و حمایت از زنان کارآفرین، ایجاد بازارچه های خوداشتغالی زنان نیز در این اجلاس دو روزه به عنوان خواسته های مهم زنان استان مطرح و مورد بررسی قرار گرفت.مدیرکل دفتر بانوان و خانواده استانداری گلستان افزود: طرح تشکیل شورای راهبردی بانوان استان گلستان و تقاضای نشست مشترک اعضای این شورا با فراکسیون زنان مجلس شورای اسلامی در این نشست مطرح و در اولین فرصت ممکن محقق خواهد شد.غفاری اظهار امیدواری کرد که با طرح مطالبات حوزه زنان استان و چاره جویی برای رفع آن گامی موثر برای تحقق اهداف این حوزه و رفع مسائل و مشکلات این قشر برداشته شود.

گلشن مهر
۰۱۷۳۲۲۵۱۳۱۶
۰۱۷۳۲۲۴۱۱۹۵

آب شیرین کن راهکار رفع عطش گلستان

برخورداری از رودخانه های دائمی، منابع آبی لب شور در عمق کم مناطق جلگه ای و دسترسی آسان به دریای خزر، ظرفیت بالای بهره مندی از منابع آبی غیرمتعارف را با استفاده از سیستم های آب شیرین کن به گلستان داده که می تواند به رفع دائمی عطش این استان منجر شود. به گزارش ایرنا کاهش نزولات آسمانی، خشکسالی و کم آبی واژگانی بوده که در دهه های گذشته ذهن ها را به سوی مناطق مرکزی و استان های شرقی کشور هدایت می کرد، اما چند سالی است که این کلمات در گفتگوهای روزمره مردم مناطق شمالی مانند گلستان هم به گوش می رسد. این روزها مدیران ارشد کشور و استان اولین مساله در مدیریت کشور و گلستان را تامین آب می دانند و معتقدند قبل از مسکن و نان، آب باید تامین شود. براساس گزارش کارشناسان هواشناسی کشور و با تکیه برشاخص‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت، پهنه‌های وسیعی از کشور مانند استان گلستان با درجات مختلف خشکسالی اعم از خفیف تا بسیار شدید مواجه است.

گلستان جزو چهار استان نخست در بحث خشکسالی است و به گفته کارشناسان براساس نقشه های ماهواره ای این پدیده مهمان ۳۰ سال آینده استان خواهد بود. برای مقابله با مشکل کم آبی موارد زیادی همچون صرفه جویی، برخورد با مشترکان پر مصرف، به روز رسانی تجهیزات و مانند آن مطرح می شود، اما این راهکارها در هنگامی موثر بوده که آب به عنوان منبع اولیه در اختیار همگان باشد. اما چالش آینده استان گلستان پیش از این مرحله و در زمان دسترسی به منابع آب شرب به وجود می آید. براساس آمار شرکت آب منطقه ای گلستان ۳۸ هزار حلقه چاه مجاز و غیر مجاز، یک میلیارد و دویست میلیون متر مکعب آب منابع زیر زمینی استان را برای مصارف کشاورزی و شرب برداشت می کنند.

کاهش ۱۸ درصدی آب ذخیره شده در آبخوان های استان با رقم حدود ۲۲۶ میلیون متر مکعب به همراه کم شدن ۲۱ درصدی مقدار بارندگی تجمعی متوسط به رقم ۳۸۴ میلیمتر (در انتهای شهریور ۹۶) باعث شد تا نهادهای متولی برای تامین بخشی از آب مورد نیاز به توسعه کمی چاه های آب شیرین و یا عمق بخشی به چاه های موجود بیاندیشند؛ راهکاری که نه در درازمدت بلکه در سالهای آتی نیز چندان کار آمد نخواهد بود. برهمین اساس برخی کارشناسان حوزه آب استقرار واحدهای آب شیرین کن را راهکار موثرتری برای تامین آب شرب می دانند، روشی که در مناطق کم آب جهان در حال استفاده است. در سالهای گذشته ورود به حوزه آب شیرین کن ها به دلیل بالا بودن هزینه تولید مورد رغبت بخش دولتی و سرمایه گذران نبود، اما به سبب ورود فناوری های نوین، هزینه آب استحصالی از آب شیرین کن ها کاهش یافته و قابل توجیه شده است. در استانهای جنوبی آب خام اولیه از طریق خطوط انتقال به واحدهای آب شیرین کن منتقل می شود و بخش زیادی از هزینه های مرتبط بدلیل هزینه انتقال است، اما شرایط توپوگرافی استان گلستان به نحوی است که نیازی به صرف هزینه های گزاف انتقال آب نبوده و این موضوع سرمایه گذاری در بخش آب شیرین کن را به مراتب اقتصادی تر از مناطق مرکزی و جنوبی کشور می سازد. دسترسی راحت به دریای خزر و خلیج گرگان، وجود ۲۷۰۰ کیلومتر رودخانه های اترک سفلی، گرگانرود، قره سو، نکارود علیا و حوزه خلیج گرگان (شامل ۴۴ سرشاخه اصلی و در ۵ حوضه آبریز) و از همه مهمتر دسترسی به آب های لب شور در عمق های کم در مناطق ساحلی و جلگه ای مانند بندرترکمن، گمیشان، بندرگز، کردکوی، آق قلا و حتی علی آباد و گرگان سبب شده تا به صرفه بودن این فناوری جدید در استان نسبت به سایر مناطق مشهود تر بوده و سرمایه گذاران بیشتری تمایل به ورود به این حوزه داشته باشند.

ضرورت بهره مندی از آب های نامتعارف

معاون فرماندار بندرترکمن در خصوص پروژه آب شیرین کن غرب گلستان گفت: نمک زدایی و شیرین سازی آب های لب شور از جمله سیاست های موفق وزارت نیرو در دولت تدبیر و امید برای تامین آب شرب و آب مورد نیاز صنایع کشور است که ثمرات بسیاری را برای مردم منطقه دارد. سیدصادق شیرنگی اظهار کرد: براساس برنامه ریزی ها، تا پایان برنامه ششم تولید آب از آب شیرین کن ها در کشور باید به یک میلیون مترمکعب در روز برسد. وی به اجرای طرح آب شیرین کن در بندرترکمن اشاره کرد و گفت: این طرح با حضور و استفاده از توان و سرمایه بخش خصوصی و در قالب قراردادهای بی. او. او (BOO) (ساخت، تملک و بهره برداری) در حال اجراست و دولت آب تولید شده را به صورت تضمینی خریداری می کند. شیرنگی ادامه داد: به دلیل محصور بودن دریاچه خزر و مشکلات زیست محیطی آن تلاش شده است تا پروتکل های این دریا به صورت کامل رعایت شود و اینکه پساب تولیدی نیز با شوری به مراتب کمتر از آب دریا وارد خزر شود.به گفته وی؛ این آب شیرین کن روزانه ۹ هزار متر مکعب آب خام لب شور را از طریق چاه های احداث شده در پیرامون هسته تصفیه دریافت می کند و ۷۵۰۰ مترمکعب آب شیرین به شبکه آب شرب منطقه تزریق خواهد کرد.وی ادامه داد: حدود ۱۵۰۰ متر مکعب پساب خروجی این واحد به خزر هدایت می شود.شیرنگی تاکید کرد: طبق بررسی های فنی مشخص شد که پساب تولیدی غلظت شوری به مراتب کمتری از آب دریا دارد و به همین دلیل و با همکاری سازمان های ذیربط، این پیمانکار هم اینک از احداث لاگون های تبخیری معاف شده تا هزینه استحصال آب شرب کاهش یابد.وی گفت: روش اجرایی آب شیرین بندرترکمن به صورت کاملا فیزیکی انجام می شود و حذف باکتری ها، ویروس ها و دیگر میکروب ها با اسمز معکوس نیز به میزان صد در صد صورت می گیرد. عبدالله کریمی از کارشناسان حوزه آب گفت: یکی از مهمترین انواع آب شیرین کن های صنعتی، سیستم RO یا اسمز معکوس (Reverse Osmosis) است. وی گفت: در این روش آب با کیفیت مطلوب و شوری پایین تامین و هزینه های راهبردی و نگهداری پایینی هم دارد. به گفته وی؛ در این روش واحد پیش تصفیه مسئولیت حذف ذرات معلق، کدورت، عوامل آلی و میکروبی را برعهده دارد و هزینه تمام شده آب شیرین کن صنعتی بیش از همه به میزان دبی آب مورد نیاز، شوری آب ورودی و روش تصفیه آن بستگی دارد. فرماندار گمیشان نیز گفت: همجواری با دریای خزر زمینه مساعدی برای تامین آب با استفاده از تکنولوژی های پیشرفته آب شیرین کن فراهم کرده است. امیر شیر توماج بیان کرد: دولت تدبیر و امید با جدیت تامین آب از منابع غیرمتعارف را با احداث این سیستم ها پیگیری می کند.

آب شیرین کن، راهکار سازگاری با کم آبی

مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب گلستان توسعه واحد های آب شیرین کن را از راهکارهای اساسی برای سازگاری با کم آبی در استان دانست و گفت: بازسازی و دقت در نگهداری تاسیسات موجود، تقویت آبخوان های منابع آب زیرزمینی، جلوگیری از برداشت بی رویه در بخش کشاورزی از دیگر روش های عملی برای مقابله با اثرات خشکسالی و بهبود وضعیت آب شرب است. محمدهادی رحمتی؛ وظیفه مردم را استفاده بهینه از آب و رعایت الگوی مصرف بیان کرد و افزود: هم اینک تامین آب آشامیدنی به ویژه در شهر گرگان یکی از مهمترین چالش های گلستان است. وی با بیان اینکه گلستان تنها استانی است که از آب ذخیره شده در سدها جهت شرب استفاده نمی کند

خبر

برخی قوانین مانع توسعه گلستان است

استاندار گلستان گفت: برخی قوانین و مقررات استاندارد مانع حضور سرمایه گذاران در استان هایی نظیر گلستان می شود، درحالی که این مناطق از توسعه همه جانبه عقب مانده اند. به گزارش ایرنا، سیدمناف هاشمی در نشست آموزشی – توجیهی مدیران ستادی و استانی سازمان ملی استاندارد، اظهار کرد: گلستان در زمینه صنعت، معدن و تجارت نسبت به استانهای صنعتی و توسعه یافته، عقب مانده است و نیاز دارد که با کمک بخش های مختلف از جمله سازمان ملی استاندارد؛ فضای حضور سرمایه گذاران در استان فراهم شود. وی بدون اشاره به قوانین مانع، تصریح کرد: هر چند استاندارد برای سلامتی، بهداشت و ایمنی مردم یک رویه مشخص و ضرورت دارد، اما برخی کالاها و تولیدات با کمی توجه بیشتر استاندارد می تواند استان را در مسیر توسعه قرار دهد.استاندار گلستان ادامه داد: مدیران استاندارد می توانند در این زمینه به سرمایه گذاران مشاوره و راهنمایی دهند؛ نه اینکه مقدمات فرار سرمایه گذار فراهم شود. هاشمی گفت: سخت گیری هایی که در شهرهای توسعه یافته انجام می شود، نباید در استانهای کمتر توسعه یافته مانند گلستان نیز باشد. وی یادآور شد: اگر استقلال استانهایی مانند گلستان تامین شود، اشتغال افزایش یافته و استان در مسیر توسعه صنعتی، تجاری و گردشگری قرار می گیرد.

نخستین همایش ملی ریاضی و آمار در گنبد کاووس برگزار شد

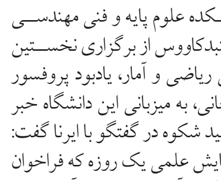

رییس دانشکده علوم پایه و فنی مهندسی دانشگاه گنبدکاووس از برگزاری نخستین همایش ملی ریاضی و آمار، یادبود پروفسور مریم میرزاخانی، به میزبانی این دانشگاه خبر داد. دکتر سعید شکوه در گفتگو با ایرنا گفت: در این همایش علمی یک روزه که فراخوان ارسال مقالات و آثار به دبیرخانه آن از چند ماه قبل انجام شد، ۶۰ مقاله و ۶۲ اثر درقالب پوستر ارائه شد. وی افزود: پس از فراخوان مقالات در مهلت داده شده، درمجموع ۱۵۰ اثر به دبیرخانه همایش رسید که پس از بررسی توسط هیات داوران ۶۰ مقاله و ۶۲ اثر در قالب پوستر برای ارائه در روز همایش برگزیده شد. دکتر شکوه اضافه کرد: جبر، آنالیز ریاضی، آمار و احتمال، هندسه، آنالیز عددی، تحقیق در عملیات، ریاضیات مالی، نظریه کد و رمز، ریاضیات فازی، نظریه کنترل و بهینه سازی، توپولوژی، منطق ریاضی، نظریه گراف و ترکیبات، آموزش ریاضی و معادلات دیفرانسیل و سیستم های دینامیکی از محورهای این همایش علمی بود. وی تصریح کرد: برگزاری این همایش علمی برای نخستین بار در بین دانشگاه های گلستان به میزبانی دانشگاه گنبدکاووس برگزار شد که در ارتقای سطح علمی شرکت کنندگان موثر است. به گفته رییس دانشکده علوم پایه و فنی مهندسی دانشگاه گنبدکاووس، هم اکنون این دانشکده در ۱۷ رشته تحصیلی در دو مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد ۸۵۰ دانشجو دارد.

مسیر گرگان- باکو به پروازهای گلستان اضافه می شود

مدیر کل فرودگاه‌های گلستان گفت: مسیر گرگان –باکو به پروازهای گلستان اضافه می‌شود. به گزارش مهر، رامین آذری اظهار کرد: طی ماه‌های آینده مسیر گرگان– باکو به پروازهای فرودگاه گرگان اضافه می‌شود. وی افزود: از تعداد ۱۴ شرکت پروازی در کشور، هفت ایرلاین در گلستان فعالیت دارند. آذری در رابطه با راه اندازی نشدن مسیر پروازی گرگان– ترکمنستان اظهار کرد: این مسیر پروازی به دلیل شرایط سخت اخذ ویزا از سوی ترکمنستان فعال نشده و چنانچه این مساله رفع شود مشکلی برای انجام پروازها نداریم. وی تصریح کرد: طول باند فرودگاه در ماه‌های آینده از سه هزار متر به سه هزار و ۳۰۰ متر افزایش خواهد یافت. آذری درباره دلایل کاهش مسافر فرودگاه گرگان نسبت به شهرستان ساری در فروردین ماه امسال گفت: این کاهش به دلیل لغو شدن برخی پروازهای شرکت های هواپیمایی بود و این در حالی است که طی ۱۳ ماه گذشته تعداد پروازهای فرودگاه گرگان بیشتر از ساری بوده است. وی تصریح کرد: فرودگاه گرگان با نصب دستگاه‌های کمک ناوبری ILS و DVOR با هزینه ۵۰ و ۳۰ میلیارد ریال که جزو به روز ترین دستگاه‌های ناوبری دنیا هستند در چند ماه آینده به یکی از فرودگاه‌های مجهز کشور تبدیل می‌شود. مدیر کل فرودگاه‌های گلستان در رابطه با پروازهای فرودگاه کلاله هم اظهار کرد: حدود دو میلیارد تومان برای بهسازی و ترمینال فرودگاه کلاله هزینه شده است. آذری یکی از دلایل کاهش و یا تعلیق پروازها در فرودگاه کلاله را عدم استقبال مردم شرق استان عنوان کرد و گفت: بی شک استقبال از این پروازها و افزایش آنها نقش مهمی در توسعه شهر های شرق استان خواهد داشت. وی با بیان اینکه دو مشکل جامع استانی برای اجرای طرح جامع فرودگاه گرگان داریم، گفت: یکی از این مشکلات انتقال ۳۵ هکتار زمین به مجموعه فرودگاه است، که در حال حاضر این زمین در اختیار هوانیروز است و با رایزنی های انجام شده منتظر جابجایی هستیم. آذری افزود: دومین مساله دریافت گواهی نامه فرودگاهی برای فرودگاه گرگان است که به دلیل وجود تپه در مجاورت باند فرودگاه اخذ آن ممکن نیست و این مهم فقط با همسطح کردن تپه مورد نظر امکان پذیر است. این مقام مسئول در حوزه فرودگاه های گلستان از کمبود نیرو در مجموعه فرودگاه گرگان سخن گفت و افزود: به رغم کمبود نیروی متخصص اما طی یکسال گذشته پیشرفت‌های خوبی در حوزه فرودگاهی استان ایجاد شده است.

اجرای طرح‌های صنعت گردشگری باعث تحول گلستان می‌شود

رئیس سابق دبیرخانه شورای عالی میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری گفت: گلستان یکی از استان‌هایی است که با اجرای طرح‌های صنعت گردشگری می‌توان آن را متحول کرد. به گزارش مهر، مرتضی طالع ماسوله در مراسم نخستین استارتاپ ویکند گردشگری گرگان با محوریت هویت شهری اظهار کرد: گرگان یکی از قدیمی‌ترین شهرهای کشور محسوب می‌شود که می‌توان گفت همچنان صداهای اصل‌ها در این شهر و در این استان به گوش می‌رسد. رئیس سابق دبیرخانه شورای عالی میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری با اشاره به اینکه توجه به نسل جوان باعث پیشرفت و توسعه کشور خواهد شد، گفت: اگر ضعف و یا مشکلی در کشور وجود دارد به این خاطر است که هیچ‌گاه جوانان را جدی نگرفتیم. وی خطاب به جوانان حاضر این مراسم، افزود: باید تاریخ شهر خود را بشناسیم چرا که یکی از دلایل عقب‌ماندگی این است که بر پایه‌های تاریخی شهر خود ایستادگی نکردیم. طالع ماسوله اظهار کرد: اگر تاریخ را نشناسیم و برای دانستن آن تلاشی نکنیم انجام کار در زمینه توسعه گردشگری باعث خستگی خواهد شد. رئیس سابق دبیرخانه شورای عالی میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری گفت: سه درصد از مساحت کشور در استان گلستان است اما جزو هشت استان محروم کشور محسوب می‌شود. وی با اشاره به جاذبه‌هایی که در استان وجود دارد، گفت: در حال حاضر ۱۶۷ اثر طبیعی، ۱۹ اثر مذهبی، ۱۲ اثر تاریخی و چهار اثر فرهنگی در گلستان وجود دارد که این در نوع خود بی‌نظیر است. وی افزود: امروز عقب‌مانده‌ترین مباحث دنیا موضوعات سیاسی است که نباید گول آن را خورد ما باید به فکر ترددی که ۱۶ میلیون توریستی در این شهر می‌کنند باشیم. رئیس سابق دبیرخانه شورای عالی میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری گفت: باید برای اقتصاد شهر و کشور خود برنامه‌ریزی کلانی داشته باشیم، امروز توریست‌های خارجی سرویس‌های بهداشتی ایران را فاجعه می‌دانند که ما باید به این موضوع توجه کنیم.وی با اشاره به اینکه به‌جای اینکه به دنبال ساختن گردشگری باشیم دنبال ساختار گردشگری هستیم، افزود: یکی از بزرگ‌ترین آسیب‌هایی که وجود دارد همیشه آن را پیچیده تحریف کردیم درصورتی‌که باید آن را ساده اما جدی دنبال کرد. طالع ماسوله اظهار کرد: ۸۰ درصد توانمندی توسعه هر کشور بر عهده مردم آن است که این موضوع را باید جدی گرفت و نسبت به آن توجه داشت.

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه (نوبت دوم)

جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه نوبت دوم شرکت تعاونی مصرف کارکنان بانک ملت استان گلستان در ساعت ۱۸ روز پنجشنبه مورخ ۹۷/۳/۱۰ در محل شرکت تعاونی به آدرس روبروی نعلبندان تشکیل می گردد لذا از کلیه اعضاء محترم تعاونی دعوت بعمل می آید جهت اتخاذ تصمیم نسبت به موضوعات ذیل در این جلسه حضور بهم رسانند.

دستور جلسه:

۱_استماع گزارش هیات مدیره، مدیرعامل و بازرس ۲_طرح و تصویب صورتهای مالی سال ۹۰ الی ۹۶
۳_طرح و تصویب بودجه پیشنهادی سال ۱۳۹۷ ۴_انتخاب اعضای اصلی و علی البدل هیات مدیره
۵_انتخاب بازرس اصلی و بازرس علی البدل

لازم به یادآوری است که:

*اعضایی که بنا به دلایلی نمی توانند در مجمع مذکور شرکت نمایند می توانند حق خود را جهت حضور و دادن رای در این مجمع به یک نماینده تام الاختیار خود واگذار نمایند هر نفر عضو حداکثر نمایندگی ۳ نفر عضو و هر غیرعضو نمایندگی فقط یک عضو را به همراه داشته باشد و حضور توام عضو و نماینده تام الاختیار وی در مجمع عمومی ممنوع است. عضو و نماینده وی در مجمع می بایست از تاریخ ۹۷/۲/۱۸ لغایت ۹۷/۲/۲۷ از ساعت ۹ صبح لغایت ۱۳ تواما به دفتر تعاونی به آدرس: گرگان _روبروی نعلبندان جهت تایید نمایندگی خود مراجعه نمایند.

تذکر: وکالتنامه هایی که مشخصات کامل وکالت دهنده و وکالت گیرنده تکمیل نگردیده باشد مورد پذیرش قرار نگرفته و ابطال خواهند گردید.

*به همراه داشتن کارت شناسایی عکس دار معتبر جهت احراز هویت اعضا و نمایندگان آنان جهت حضور در مجمع الزامی است.

*این جلسه با حضور حداقل نصف +۱ نفر از اعضا و نمایندگی های آنان رسمیت خواهد یافت.

هیات مدیره شرکت تعاونی

آگهی‌های ثبتی

آگهی تحدید حدود اختصاصی

تحدید حدود ششدانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است به مساحت (۱۱۸/۹۲) مترمربع دارای پلاک ۱۱۹۷۱ فرعی از ۳ اصلی واقع در اراضی اوزینه بخش ۳ حوزه ثبتی گرگان ملکی خانم فاطمه ملکیان فرزند رمضان در ساعت ۱۰ صبح روز سه شنبه مورخ ۱۳۹۷/۳/۲۲ در محل وقوع ملک واقع در گرگان – شهرک امام ۲۲ بهمن شرقی نبش پارک ششم بعمل خواهد آمد. از این رو چنانچه مجاوری نسبت به حدود یا حقوق ارتفاقی حقی برای خود قائل است می تواند فقط تا سی روز از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدید حدود اعتراض خود را کتبا با ذکر شماره پلاک به اداره ثبت شهرستان گرگان تسلیم نموده و علاوه بر آن ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نماید. در غیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می¬تواند بدادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود.

علی برقی – رییس ثبت اسناد و املاک شهرستان گرگان – ۱۳۶۶ م الف

آگهی تحدید حدود اختصاصی

بدینوسیله اعلام می گردد به استناد ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف، تحدید حدود ششدانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است، دارای پلاک ۱۳۹۲ فرعی از ۱۲۹ اصلی بخش ۲ ثبت گرگان واقع در اراضی زنگیان به مساحت ۱۰۵ مترمربع ملکی آقای یحیی شکاری فرزند رضاقلی ساعت ۹ صبح روز چهارشنبه مورخه ۱۳۹۷/۳/۲۳ در محل وقوع ملک واقع در گرگان – خ چوب بری ۵ – کوچه شکوهی بعمل خواهد آمد. از این رو چنانچه مجاور یا هر شخصی نسبت به حدود یا حقوق ارتفاقی در ملک مذکور حقی برای خود قائل است می تواند ظرف سی روز از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدید حدود اعتراض خود را کتبا با ذکر شماره پلاک به اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان گرگان تسلیم و علاوه بر آن ظرف یک ماه از تاریخ تقدیم اعتراض به اداره ثبت، دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم و رسید آنرا ارائه نماید. در غیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می¬تواند بدادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود.

علی برقی – رییس ثبت اسناد و املاک شهرستان گرگان – ۱۳۷۱ م الف

واگذاری مجوز

شرکت شبکه پردازان اندیشه نگار دوران

دارای سابقه پروانه ۱۲۸ _۳۲_۱۱ صادره از سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی با توجه به واگذاری مجوزISP خود به شرکت ارتباطات ثابت آوا اروند عدم فعالیت خود را اعلام می کند و جهت پاسخگویی برای مطالبات مشتریان سابق خود با شماره۲۳۹۱۲۵۱۵_۰۲۱ پاسخگو خواهدبود.

شعر

سروده ای از خسرو بنایی

اوقات نهیلیستی

دیدم که اعتراف میکرد
در اعتراف
با جبری از رنگ مهتابی که به صورت اش
چسبیده بود
زبان اش راگاز می زد
با زبان قاچ قاچ اعتراف می کرد:
چه خونی دارد این فوران
روزنامه را بازمیکند و تمام صفحات سفید
ورق می زند سفید
و دائمن سفیدی های را هر روز ورق می زند
کسی نمی داند ؟!
دست می کشد به دیوارگچی
درها گچی ست
آدم که برایش دعا می خواند گچی ست
اوهامش وعفونت اش گچی ست
هر کجا که چشم می گردانم
انکارم می کنند
عارضه سفید ام را انکار می کنند
در خاموشی و با دهان بسته انکار می کنند
در حاشیه شهر گل های وحشی که از بازوها
یم بیرون زده
گل های وحشی ام را انکار می کنند
حالا حاشیه ام در حاشیه شهرها
حاشیه را انکارمی کنند

سروده ای از آسا قربانی

زنی ام شبیهِ درخت،
قد می کشم
لمس می کنم
می دوم و شکسته می شوم،
چگونه برگهایم را بجنبانم و چون آدمی
آوایی سردهد که بشنوی
دوستت دارم

سروده ای از سمیه حسام

یک شب تموم ماهو دزدیدی
از سقف این رویای بی خونه
تو رفتیو این آسمون هر شب
لالایی شو با گریه می خونه

با پچ پچ هر ثانیه اینجا
انگار خواب تازه می بینم
من ردپای مرگو می شناسم
آغوششو اندازه می بینم

نزدیکتر از حس مردن بود
چیزی شبیه لحظه ای از بعد
چیزی شبیه وحشتی مزمن
چیزی شبیه ترس قبل از رعد

سرگیجه های بعد دلتنگی
تاریکیو عمق سقوط ماه
بارفتنت انگار جامونده
سوزی میون سوز بهمن ماه

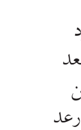

سروده ای از آذردخت ضیایی

تواتر نفس
و خنده ای که تکه تکه شده
از دهانمان می افتد
سنگ، کاغذ،سنگ
سنگ قیچی ، سنگ
سنگ ، سنگ
کوه در این تابلو گاهی
ریزش می کند
و قاصدک بدون قصه اش
خودکشی
حالا که
خاک مانده و تندیس های بی دهان
یک نفر باید بیدارم کند
اما به چه نامی صدایم می زنید
وقتی آینه دیگر تصویری ندارد

سروده ای از ماریا سلمانی

فرزند ماه دی اگر لبخند هم دارد
اما زمستان بهمن و اسفند هم دارد
فرهاد با داغ دلش در گور خوابیده
شیرین شوی دنیا به کامت قند هم دارد
آخر دل سنگش به دستم نرم خواهد شد
این دل به دست آوردنش ترفند هم دارد
در بوستان سعدی از حافظ سخن گفتم
شیراز ارگی یادگار از زند هم دارد
اصلا به شادی های دنیا اعتباری نیست
تنها همین که ارزش لبخند هم دارد
مریم به تنهایی بدون مرد مادر شد
دوشیزه ای که در بغل فرزند هم دارد
تهران فقط جمهوری و دروازه دولت نیست
این پایتخت آزادی و دربند هم دارد
چشمان تو زاینده رود اصفهانم بود
هر چند خوزستان تو اروند هم دارد

با یاد منصور کوشان

نوشتارِ رنج
نگاهی به رویکرِد هنر در تبعید

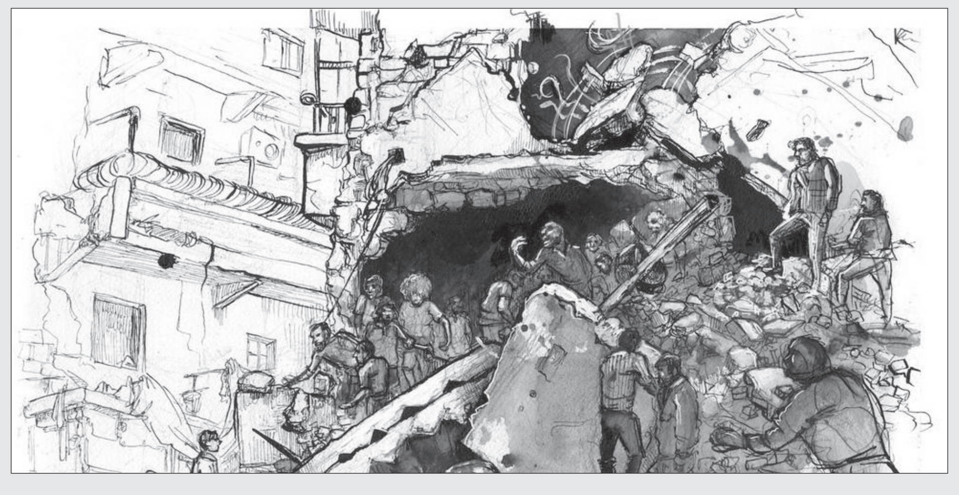

مجید کوچکی– «جورجو آگامبن در پرداخت به مسئله اردوگاه و تبعیدگاه،دو واقعه را چشم گیر ترین اتفاق تاریخ در بحث از موضوع تبعید می خواند،یکی دفع و حذف مهندسی شده بسیاری از نویسندگان و متفکران در دوران حکومت استالین((از آن جمله اند؛ایساک بابل،اوسیپ ماندلشتام....)) و دیگری تبعید و قلع و قمع تعداد فراوانی از متفکران و هنرمندان در دستگاه رعب آور نازیسم و مهندسی آن جریان،توسط گوبلز،طراح اصلی و همچنین وزیر تبلیغات هیتلر،کسی که مهندسی دفع و تاراندن هزاران تن را بر عهده گرفته بود،کسی که می گفت((هرگاه حرفی از فرهنگ می شنوم تپانچه ام را بیرون می کشم)). با همین مقدمه کوتاه می توان با تامل بیشتری درباره ادبیات و آثار پسا تبعیدی حرف زد،چرا که نمی توان عنوان هر نوشتار و یا اثر از مولفی را بیرون از سرزمینی که درآن به دنیا آمده را تحت عنوان ادبیات و یا اثر پسا تبعید آورد،وقتی از ادبیات و یا اثر پسا تبعید حرف به میان می آید،دو نگرش اساسی را باید به عنوان موضوع مورد بحث بیشتر از سایر نگره ها مورد توجه قرار داد،چرا که گهگاه دیده می شود که هجرت خودخواسته یک هنرمند یا متفکر با موضوع حساس تبعید به اشتباه خلط می شود،و عده ای به دلیل درک ناقص، این دو ابژه را که از لحاظ توپولوژیک وجه افتراق واضحی با هم دارند همسنگ هم قرار می دهند و حرف از ادبیات و اثر پسا تبعید می زنند، به دنبال یک آرمانشهر بودن،و به طور خودخواسته از سرزمینی گسستن،به طور اساسی با تبعید یک فرد،و پس راندن آن فرد توسط قدرتی دفع کننده که به طور مثال با ایدئولوژی حاکم بر ساختار سیاسی یک سرزمین رقم می خورد،تفاوت فاحشی دارد.شاعر یا نویسنده و به طور کل هنرمندی که زیر سایه هنرمند پسا تبعید فعالیت فکری می کند،سوژه ای است در مواجهه با یک تنش و فشار،تنش و فشاری که او را از سرزمین مادری اش پس می راند تا تفکرش را دچار تعلیق کند،تنش و فشاری که او را پس می راند تا برای حیات فکری و یا جانی اش به نقطه ای دیگر پناه ببرد،از همین منظر است که نمی توان با برچسبی کلی و عنوان سازی های متعدد،ادای دین کاملی کرد نسبت به فعالیت فکری و هنری کسانی که به اجبار در نقطه ای بیرون از مرزهای سرزمین خود،در مقابل جریان دفع کننده و طرد ساز موضع مستمر و فعالی را اساس فکر خود قرار می دهند.در بحث از تبعید همانطور که سوزان سانتاگ هم در کتاب «علیه تفسیر» به آن اشاره داشته،گاهی می توان تبعیدی درونی را هم برای متفکر و یا هنرمند متصور شد،هنرمندی که تحت فشاری که از سوی نیرویی بیرونی وجود دارد به ناچار در درون خود از موضع واقعی اش پس رانده شود به یک تبعید درونی دچار می شود،در کنار این وضعیت درونی اگر به عینی ترین نمود شکل تبعید هم بپردازیم باز باید وجوه افتراق آن را با حیات اندیشه در وضعیتی شبه تبعید روشن ساخت،به طور مثال نمی توان رنج داستایفسکی در تبعیدگاه سیبری،و محصول آن رنج را در رمان»خانه مردگان» با فراغ بالی نوشتار داستانی «دست به دهان» نوشته ی پل آستر نویسنده آمریکایی اهل نیوآرک،که فضای داستان هم در جایی بیرون از جغرافیایی که نویسنده در آن جا به دنیا آمده،رقم می خورد را با هم،هم کاسه کرد،چرا که روح حاکم بر رمان»خانه مردگان»روحی بر آمده از فضای شکنجه و رنج است،اما روح حاکم بر داستان «دست به دهان» بیشتر بر ادبیات توریستی و در مواجهه با فرهنگ کشوری دیگر متکی است، آنطور که در نمونه های خلفش در رمان های «هنری جیمز «،به طور مثال در رمان هایی چون»اروپایی ها» و آمریکایی می توان سراغ گرفت،به طور مثال در همین کتاب «دست به دهان» در همان صفحات آغازین کتاب از زبان نویسنده می خوانیم((تنها خواسته ام تجربه های جدید بود،می خواستم دنیا را بگردم و خودم را بیازمایم.ص ۹)) یا بخواهد زبان فرانسه را یاد بگیرد،هرچند نویسنده در کنار این رویکردهای فردی گاهی نقبی می زند به آغاز درگیری ها در دانشگاه کلمبیا در سال۱۹۶۸((که متعاقب طوفان اعتراضی ماه می ۱۹۶۸)) به وجود آمده بود،اما باز این دور افتادن و منفک شدن از حیات در سرزمین مادری،و بازتاب آن در یک اثر داستانی را نمی شود با نمونه ای چون کتاب (بخش سرطان) به قلم نویسنده روسیایی چون «الکساندر سولژنیتسین» که خود نویسنده به ترک اجباری از وطن روی آورده بود مقایسه کرد،کتابی که در آن از تبعید ها،زندان ها،اردوگاه ها و خلاصه شکنجه گاههای روحی و جسمی استالینی حرف زده می شود،و آنطور هم که در کتاب شاهد آن هستیم می بینیم که یکی از شخصیت های اصلی رمان با نام» کوستو گولوتف» که تن و روحی رنجور دارد برای درمان خود در تبعید به سر می برد.در برخورد با مفهوم تبعید و آثاری که در تبعید خلق می شوند اگر به طور حساس تری به موضوع نگاه کنیم می توان صورتبندی تازه ای هم به دست داد،به طور مثال بیراه نیست که حبس کردن مارکی دوساد در تیمارستان» شارتنون» در حومه پاریس را، که دو ساد سالهای پایانی عمر خود را در آنجا گذراند را همردیف با یک سنخ از تبعید از فضای گشوده به فضای به زبان دولوز کنترلی بدانیم،یا همینطور زندانی کردن «گرامشی» را توسط نیروهای فاشیسم که در کتابِ»دفترهای زندان» گرامشی در موردش اطلاع پیدا می کنیم،آنچه پیداست به نظر قابل بحث ترین مفهومی که ملازم با موضوع تبعید قرار می گیرد،شکلی از تبعید است که به صورت روشمند و هدایت شده از بستری به شدت سیاسی هدایت می شود،اینکه چه عواملی و چه چیزهایی یک انسان ((هنرمند یا متفکر)) را به سوژه ای تبعید شونده، یا تبعید شده تبدیل می کند و اینکه این سوژه تبعید شده در تقابل با عوامل و نیروی تبعید کننده چه واکنشی از خود نشان می دهد به شدت حائز اهمیت است،از همین درجه اهمیت است که گریختن ((گئورک لوکاچ)) منتقد مارکسیستی به وین را، و پدید آوردن کار سترگی چون «تاریخ و آگاهی طبقاتی» توسط او را باید از جمله گریز و انفصالِ فعال و موثر یک متفکر در قبال نیرویی دفع کننده دانست.شاعر،نویسَنده،فیلسوف و یا هر متفکر و منتقدی،زمانی که سویه فعالیت فکری و هنری اش در تضاد با ذائقه و یا خواست مطالبات اصلی و حاکم یک جامعه باشد،به طور غالبی مورد طرد و دفع نهاد قدرت قرار می گیرد،در همین ارتباط در پیشگفتار کتاب» نشانه ای به رهایی» نوشته ی «بابک احمدی « می خوانیم که چطور والتر بنیامین با به قدرت رسیدن ناسیونال سوسیالیست ها در آلمان راهی تبعید می شود و در پاریس با کمک مالی کمی که از انجمن پژوهش های اجتماعی می گرفت،روزگار می گذراند و در پایان در چه شرایطی دست به خودکشی می زند،پس موضوع اثر در وضعیت تبعید با امن نشینی و فراغ بالی عده ای در قالب هنرمند، بیرون از مرزهای زادگاه شان،و گهگاه دست به کنشی انتقادی خفیف زدن از ناحیه همین عده،خط تمایز پر رنگی دارد با فعالیت راستین رنج آمیز هنرمندی در تبعید،که محصول زیستی تحمیلی است.آنطور که در نمونه ای دیگر،در کتاب ((بر علیع فاشیسم آلمان)) نوشته ی « لئون تروتسکی می خوانیم که چطور خودِ تروتسکی در خفقان استالینیستی در سال ۱۹۲۷ به سیبری و سپس در سال ۱۹۲۹ به ترکیه، به جزیره «پرینکیپو» تبعید می گردد،اما از تفکر در راه انقلاب باز نمی ماند.بنا بر این تفاسیر،باید با حساسیت فراوانی نسبت به کنش یک هنرمند و یا متفکر در وضعیت تبعید برخورد کرد،تبعید در نفس راستین خود به نقل از آگامبن سویه ی مخوفی دارد،و هنرمند و متفکر در سایه چنین وضعیتی، اگر بیرون از فضای اندیشه ی چنین وضعیتی به حیات فکری اش ادامه دهد قطعا شکلی از انفعال را در کار خود رقم می زند و در واقع فعالیتش در زمره اندیشه و هنر در تبعید قرار نمی گیرد.

داستان کوتاه

بلک سبث

نویسنده:شویراد

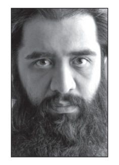

وقتی شنیدم بلک سبث میخواد خداحافظی کنه تصمیم گرفتم هدفونمو بذارم توی گوشم و بزنم به خیابون و تا صبح آهنگاشونو گوش کنم و به حال اونایی که تونستن آخرین کنسرت بلک سبث رو برن و از نزدیک خداحافظی این اسطوره های هوی متال رو ببینن، غبطه بخورم. وقتی از در زدم بیرون دیدم هوا خیلی سرده! بی مروت همچین سوز میومد که انگار من مقصر خداحافظی بلک سبث هستم. البته شاید آسمون هم دلش از خداحافظی بلک سبث گرفته و داره سوز میکشه، <<که میداند که دلیل این سوز چیست>> آقا شوخی که نیست سلطان هوی متال در دهه های ۷۰ و ۸۰ و ۹۰ میلادی داره به طور کلی از موسیقی خداحافظی میکنه! ازین بدتر هم مگه برای یه عشقِ موسیقی که کلی با آهنگهای این بند خاطره داره و ازشون برای کارهایِ خودش الهام گرفته وجود داره؟! درسته که پی هر اومدنی یه رفتنی هم هست اما آدم وقتی یه چیزاییو خیلی دوست دَاره هیچوقت نمیتونه نبودشون رو قبول کنه و از شنیدن خبر رفتن اون چیزا بدجور غم توی دل آدم میشینه، حالا ممکنه برای یکی این علاقه به یک شخص خاص باشه و برای شخص دیگه ای یک شی خاصی باشه و برای یکی مثل من بلک سبث باشه! از همه ی اینها بدتر اینه که آدم نتونه اون لحظات آخر در کنار علایقش باشه و آخرین زخمه ها و اصوات منحصر به فردشون رو از نزدیک ببینه پس تنها راهی که میتونه یه ذره از این غم کم کنه روندن و شنیدن یک شب تا صبح آهنگ های بلک سبث هست برای همین به سرما غلبه کردم و با هر زور و زحمتی بود توی اون سرما روی موتورم نشستم و به قصد ناکجا آباد به سرعت برق و باد آتیش کردم.

این گروه علاوه بر اینکه برای من یک گروه بزرگ و قابل احترام موسیقی باشه که کلی افتخار هم کسب کرده، یه بهونه ای بود که منو یاد اولین عشق زندگیم مینداخت. بهونه ای که باعث میشد هروقت دلم بگیره آهنگشونو بذارم و باهاش خاطرات عشق اولمو مرور کنم. خاطرات حدیثه ای که در ۱۹ سالگی باهم دوست شدیم و طولی نکشید که عشق، رابطه ی مارو تحت الشعاع خود قرار داد و من تمام قد درون عشق به حدیثه فرو رفتم درست مثل غریقی که دریا اونو به هرجایی که دلش میخواد میکشه من هم به هرجایی که خاطرخواه دوست بود کشیده میشدم. میگن آدم هیچوقت اولین عشقش رو فراموش نمیکنه و من فکر میکنم این حرف کاملا درسته چون من هیچوقت نتونستم حدیثه و خاطرات خوب و بدمون رو از خاطر ببرم.

حدیثه خونشون سمت بلوار پروین بود و عاشق بلک سبث، اصن اون کسی بود که منو با بلک سبث آشنا کرد، من وقتی با حدیثه آشنا شدم یه هنرجوی متعصب موسیقی ایرانی بودم که فکر میکردم موسیقی ایرانیو از بهشت برای ما به هدیه آوردن اما بعد از اینکه موسیقی ایرانیو کاملا از نظر ساختاری و قواعدی شناختم و همچنین با سبک های دیگه هم آشنا شدم فهمیدم که موسیقی ما هم مثل بقیه ی سبک ها دارای یک سری خصوصیات خوب و منحصر به فرد و یک سری کاستی ها و ضعف ها هست و هیچکس نمیتونه یک سبکی رو به سبک دیگه ارجح بدونه بلکه همشون در نوع خودشون هاله ای از خوب و بد هستن و فقط خود اثر هست که اگر زیبا و درست باشد فارغ از سبکش مورد توجه قرار میگیرد. اون شب هم مثل الان که دارم براتون مینویسم به همین چیزها فکر میکردم به موسیقیمون و موسیقی های دیگه به زمان دانشجوییم و روزی که برای اجرا به دانشکده ی مامایی دعوت شده بودم تا به همراه بندم برای ورودیهای جدید آواز و تصنیفی بخونم. حدیثه هم جزو همون ورودیهای جدید بود و بعد از اجرا وقتی توی محوطه ی دانشگاه داشتیم با رفقا گپ میزدیم اومد سمت من و ازم خواست که برنامه ای بچینم تا بهش آواز درس بدم و این بهونه ای شد تا با هم دوست بشیم.

اون شب من همینجوری میرفتم مقصد خاصی نداشتم و فقط توی خیابونها میگشتم و آهنگ های بلک سبث رو گوش میدادم اما همین توضیحاتی که براتون گفتم کافی بود تا ضمیر ناخودآگاهم آگاهانه و برای زنده کردن خاطرات حدیثه کنترل موتورو به دست بگیره و به سمت محله ی حدیثه اینا بره.

فکر کنم آلبوم پارانوئید به آخراش نرسیده بود که دیدم به سرعت از سعادت آباد به بلوار پروین رسیدم آخه میدونید که منم یه ایرانی هستم و مثل یاصیل موتور سواری میکنم و وقتی که سوارش میشم انگار ارث بابامو از همه طلب دارم و جوری میرونم که رستم با رخش در کارزار ایران و توران نروند. به نظرم ساعدی زحمت بیخود کشید و واسه مش حسن گاو خرید بعد عاشقش کرد، گاورو کشت و مش حسنو دیوانه کرد تا آخر مش حسن به گاو تبدیل بشه، مثلا خیلی راحت می تونست برای مش حسن یه سی جی ۱۲۵ گوجه ای بخره تا مش حسن در یه چشم به هم زدن از انسان به یک گاو تمام عیار تبدیل بشه. بله به همین راحتی!

آقا سرتونو درد نیارم، جونم براتون بگه که دیدم سریعا رسیدم به بلوار پروین و اونجا هم چنتا جوون با کاپشن و کتونی زرنگی زرد رنگ وایسادن. آقایی که شما باشین تا اینا مارو دیدن یهو یکیشون پرید جلومون و سریع موتورو خاموش کرد و سوییچشو گذاشت جیبش. بعد با لحنی خشن گفت:

_ این وخت شب تو محل ما چه غلطی میکنی؟!

_ هیچی داداش چرا عصبانی هستی؟!! جای خاصی نمیرفتم فقط داشتم میچرخیلم

_ واسه چی الکی می چرخیدی؟!

_ وا خب چرخ میزدم دیگه! حوصلم سر رفته بود گفتم بزنم بیرون یه ذره هوا بخورم.

_ بچه همین محلی؟!

_ نه، خونمون اینجاها نیست. همینجوری ازینجا سر درآوردم.

_ بیخود همینجوری اومدی محل ما!!

_ داداش من دنبال شر نیستم فقط گفتم که اتفاقی از اینجاها سر درآوردم.

_ ولی اتفاقا ما دنبال شر هستیم!

خانوم و آقایی که شما باشین یهو دیدم یکیشون دست کرد جیبشو یه چاقو ضامن دار دسته زنجان درآورد گذاشت بیخ گلوم!

من که از ترس جونم نمیدونستم چیکار کنم یهو عین ضبط صوت شروع به حرف زدنَ کردم و گفتم:

_ آخه بخدا بلک سبث خداحافظی کرده منم خیلی باهاش خاطره دارم به جان مادرم فقط و فقط به خاطر همین دَمَغ شدم گفتم یه چرخی بزنم بلکه دلم واشه. بخدا فقط همین!

_ بلک هوس کیه؟ دستیار کِیروشه؟ منم امروز شنیدم اخبار میگفت قهر کرده استعفا داده! اصن به درک، خودشم بره تیمو میدیم به علی پروین ببرتش قهرمان جام جهانی کنه!!

_ نه فداتشم بلک هوس کیه؟! بلک سبث. یه گروه هوی متال بودن که دیگه خداحافظی کردن.

_ عه؟!! پس شیطان پرست هستی!

_ نه به جان مادرم... نه به ارواح جدم!!!! چه ربطی داره آخه؟! من فقط از آهنگاشون خوشم میومد،همین!

_ اگه شیطان پرست نبودی این وخت شب تو این سرما الکی نمی چرخیدی!! تو این هوا سگو با چوب بزنی از خونش بیرون نمیاد بعد تو واسه من اومدی انَر انَر هَوَس مَوَس گوش بدی!!

_ لوتیا چرا توهین میکنید، شما خودتونم اومدید بیرون و دا........

آقا ما هنوز جمله از دهنمون کامل بیرون نیومده بود که یهو یه نر و مادگی زد پا گوشمون چنان که صدای صور اسرافیلو همون موقع توی گوشم شنیدم منم ناخودآگاه یه مشت خوابوندم پا چشمش که ای کاش دستم می شکست و نمیزدم چون بدتر جریشون کرد و چند نفری ریختن سرم تا میخوردم زدنم، آی زدن... آی زدن که انگار من باباشونو کشته بودم و اونا سر بزنگاه منو به دام انداختن!

حسابی که منو کتک زدن و دیدن که من جونی واسم نمونده چارتا لیچار بارم کردنو رفتن، منم به بدبختی بلند شدم خودمو رسوندم بیمارستان تا مداوا بشم.

حالا همه ی اینا یه طرف و این که هرکی مارو میبینه میگه برو خداروشکر کن که موبایل و پولتو ندزدیدن یه طرف! اصن هیشکی عین خیالش نیست که توی پایتخت بدون دلیل چند نفر یه آدم بی آزارو تا میخورده زدن! اما کاریش نمیشه کرد و باید به این مسایل توی کشور عادت کرد. برای همین منم دارم خدارو شکر میکنم آخه ملتفتید که« هر نفسی که فرو می رود ممدّ حیاتست و چون بر می آید مفرّح ذات» پس در هر نفسی دو نعمت موجودست و بر هر نعمتی شکری واجب!

شکر میکنم و براتون خاطراتمو از بلک سبث میگم، خاطراتی که با حدیثه شروع شد و به کتک خوردن ختم شد.

آی خدا خیلی درد دارم اصن نمیتونم بشینم!!

داستان کوتاه

سفر در سفر

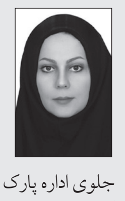

قسمت دوم / کیانا مرادی – پنج شنبه راس ساعت مقرر جلوی در آموزش و پرورش حاضر شدیم.اما در بسته بود و هیچ کس نبود.ده دقیقه ای ایستادیم. خبری نشد.من بودم و سارا به همراه پدرانمان.از پسرها هم خبری نداشتیم.شاید آنها هم بودند ولی نمی شناختیمشان،ترجیح دادیم داخل یکی از ماشینها که جلوی اداره پارک کرده بودیم بنشینیم.نیم ساعت همچنان به بلاتکلیفی گذشت.مردی چاق با قدی کوتاه و موهای ریخته از پله های اداره بالا رفت و در را باز کرد. گویا نگهبان اداره بود.از ماشین پیاده شدیم.هنوز به پایان پله ها نرسیده بودیم که گفت: «شما همان بچه های المپیادی هستین؟»من و سارا به هم نگاه کردیم و گفتیم :»بله .از ساعت پنج اینجا منتظریم .»با لبخندی به لب گفت :نگران نباشید بابا جان.حرکت می کنیم.»

بی توجه به ما داخل رفت و چند تلفن زد .از نوع کلام با طمانینه اش و لبخند روی لبانش مشخص بود که فعلا باید صبر کنیم.دوباره داخل ماشین رفتیم.پدر من و سارا با هم به آرامی حرف می زدند.از چهره شان مشخص بود از این وضعیت راضی نیستند.

در فاصله انتظار ما چندین مرد با لباسهای بیرون زده از شلوار ،همراه ساک ورزشی جلوی در اداره ایستاده بودند.مینی بوسی از راه رسید. آنقدر خاکی بود که از گوشه های کنار پنجره اش به سختی رنگ آبَیَش مشخص بود.آن چند نفر با ساکهای ورزشی شان سوار مینی بوس شدند.نفر آخر در را باز گذاشت، راننده مینی بوس ماشینش را خاموش کرد،انگار منتظر بودند؛ما هم منتظر بودیم!

نگهبان اداره به سمت ماشین ما آمد.از ما خواست سوار همان مینی بوس شویم.چاره ای نداشتیم.پدرانمان با نگرانی از ما خداحافظی کردند.سوار شدیم.بقیه طوری نشسته بودند که من و سارا ردیف یکی مانده به آخر رفتیم.اولین بار بود سوار مینی بوس می شدم.اولش برایم جذاب بود. زیر پایمان قوس داشت.روکش های صندلی کثیف و چرک بود.بوی نامطبوعی هم به مشام می رسید.چند دقیقه ای گذشت.چند مرد میانسال و دو پسر وارد شدند.

مردها ظاهرا همه با هم دوست بودند.شروع کردند به بلند بلند سلام کردن و قهقهه زدن،در این میان دو پسر نوجوان هم به انتهای مینی بوس آمدند و پشت ما در جهت مخالف، روی ردیف چهار نفره نشستند.نفر آخر در مینی بوس را بست.یکی از مردها در گوش راننده صحبتی کرد و حرکَت کردند.

مینی بوس میدان شهرداری را دور زد.بجای حرکت به سمت ساری به سمت میدان کاخ حرکت کرد.خلاصه سر از چاله باغ در آوردیم.چند نفری که مانده بودند را آنجا سوار کردیم.آنها هم مثل بقیه بعد از سوار شدن ،بلند بلند چاق سلامتی می کردند.

من و سارا و راننده و چندین نفر از کارکنان اداره آموزش و پرورش و دو پسر نوجوان با مینی بوس همسفر شدیم.

کمی از حرکت گذشته بود.کنجکاوی دخترانه باعث شد از پسرها بپرسیم شما هم برای آزمون آمدید؟آنها هم انگار منتظر سوال ما بودند،پاسخ دادند و همدیگر را به هم معرفی کردیم.

کارمندان اداره هم با صدای بلند حرف می زدند و می خندیدند و شاد بودند.انگار ما را نمی دیدند.اولش خوب بود ولی در ادامه بوی مینی بوس و تکان تکان خوردن بیش از اندازه اش چنگ به دلم می انداخت. رنگ پریده و بی حال شدم.صدای بلند مردها، بوی ماشین، صدای ضبط ماشین که گنگ و مبهم بود، صدای نوازش باد و آسفالت که از لای پنجره های نیمه باز به داخل می آمد، همه و همه باعث دگرگونی حالم شدند.تحمل جاده با این شرایط سخت شده بود .سعی کردم بخوابم، اما نمی شد.هر از چند گاهی چشمانم را باز می کردم.مردهایی را می دیدم که هنوز شاد بودند و پر انرژی، که حتی یک ثانیه به فک و مغزشان استراحت نمی دادند.لابلای این خرابی حال، می شنیدم که آنها هم برای مسابقه فوتبال راهیِ این سفرند.

سارا دستش را به صَورتم کشید و گفت :»خوبی عزیزم؟!! رسیدیم.»